

پژوهشهای حقوقی

شماره ۵

هزار و سیصد و هشتاد و سه - نیمسال اول

مقالات

- چالش‌های ورود کشورهای اسلامی به نظام حقوقی - اقتصادی بین‌المللی با تأکید بر ایران
- علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی
- تفسیر قضائی قانون اساسی در رویه دیوان عدالت اداری
- ساخت دیوار حائل در سرزمین اشغالی فلسطین: دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان حافظ صلح و امنیت بین‌المللی
- قطعنامه سپتامبر ۲۰۰۴ و عملکرد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آزمون اجرای حقوق بین‌الملل
- جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل (Buy Back)
- حمایت از حق ثبت اختراعات در سازمان جهانی تجارت
- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- تعقیب کیفری کارگزاران عالی رتبه دولت‌ها در دادگاه‌های داخلی به اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی (دعوی کنگو علیه بلژیک در دیوان بین‌المللی دادگستری)

موضوع ویژه: نارسایی‌های حقوق شرکت‌های تجاری در ایران

- میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت‌های سهامی
- طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت
- حقوق سهامداران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری
- نظارت بر عملکرد مدیران شرکت‌های سهامی عام توسط نهادهای دولتی در حقوق انگلیس و ایران
- تشریفات قانونی انتقال سهام در شرکت‌های سهامی

نقد و معرفی

- تأملی بر قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در مورد حاکمیت لبنان و خروج نیروهای بیگانه از این کشور





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44726.html

طرح پیشنهادی اصلاح ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت راجع به سرمایه اسمی شرکت‌های سهامی

دکتر وحید اشتیاق

در ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ آمده

است:

«در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه، رسیدگی را موقوف خواهد نمود.»

میزان سرمایه اسمی در شرکت‌ها به ویژه شرکت‌های سهامی از جهات عدیده واجد اهمیت و آثار است زیرا در اغلب کشورها همواره تلاش بر این است که شرکت‌های سهامی از ارج و منزلت و اعتبار بالایی برخوردار باشند و در ایران نیز همین هدف در قانون تجارت دنبال می‌شده است تا آنجا که قانون به دادگاه‌ها اجازه انحلال آن دسته از شرکت‌های سهامی را داده است که از سرمایه کافی برخوردار نیستند. از طرفی عدم تغییر نصاب حداقل ریالی مقرر در قانون تجارت از سال ۱۳۴۷ تاکنون آثار سوئی را به دنبال داشته است و در حقیقت بسیاری از شرکت‌های سهامی با سرمایه‌ای ثبت شده یا می‌شوند که ارزش واقعی سرمایه آنها از نصاب قانونی

مورد نظر قانونگذار وقت کمتر است و حال آنکه شایسته نیست که دیگر اداره ثبت شرکت‌ها مبادرت به ثبت شرکت‌هایی بنماید که به دلیل نقص در سرمایه، بایست نسبت به انحلال آنها اقدام می‌شد. لذا جا دارد که عاجلاً نسبت به اصلاح ماده ۵ قانون مذکور اقدام شده و حداقل مقرر در قانون با لحاظ تغییرات ارزش ریال از سال ۱۳۴۷ تاکنون اصلاح گردد و تأخیر این امر تا اصلاح کلی قانون تجارت که ممکن است سال‌ها به طول انجامد جایز نیست و بهتر است هر چه سریع‌تر به نابسامانی‌های ناشی از روزآمد نشدن ماده قانونی مذکور خاتمه داده شود.

آثار و عوارض میزان قلیل سرمایه اسمی در شرکت‌های سهامی را می‌توان از جمله به شرح ذیل یاد کرد:

اصولاً شرکت‌های سهامی از رایج‌ترین شرکت‌ها از بین انواع دیگر می‌باشند و از معتبرترین شرکت‌ها نیز محسوب می‌گردند تا آنجا که می‌توان گفت بدنه عمده بخش خصوصی و واحدهای اقتصادی کشور را شرکت‌های سهامی تشکیل می‌دهند و قوت واحدهای این بخش مؤثر در قوت اقتصاد کشور و بخش خصوصی است. هم‌اینک شرکت‌های سهامی موجود در کشور و نیز شرکت‌هایی که در آینده تأسیس خواهند شد در برابر پیشنهاد اصلاح ماده مذکور به دو دسته تقسیم می‌گردند:

الف - شرکت‌هایی که از قوت کافی برای تأمین حداقل سرمایه مناسب برخوردار هستند، لکن به دلیل عدم الزام قانونی سرمایه آنها کمتر است.
ب - شرکت‌هایی که از قوت کافی برخوردار نیستند و نمی‌توانند سرمایه لازم و مقرر برای شرکت‌های سهامی را تأمین نمایند.

دسته اول با افزایش سرمایه خود به نصاب قانونی خواهند رسید و این امر باعث می‌گردد که سهامداران سرمایه بیشتری را به شرکت‌ها منتقل نمایند و آنان را تقویت کنند و کشور از شرکت‌های سهامی قویتری برخوردار گردد.

دسته دوم از سهامداران به انتخاب انواع دیگری از شرکت‌ها نظیر «با مسئولیت محدود» یا غیر آن روی خواهند آورد که برای سرمایه اسمی آنها حداقل تعیین نشده است و انتظار کمتری از آنان می‌رود و در مقابل طرف‌های معامله بر میزان اعتبار و قوت شرکت واقف خواهند بود و روابط و معاملات خود را با ایشان بر همان اساس تنظیم خواهند کرد.

میانگین عمر فعالیت شرکت‌ها در ایران متأسفانه در مقایسه با کشورهای

صنعتی بسیار پائین است. در آن کشورها یافتن شرکت‌هایی با عمر بیش از ۱۰۰ سال دشوار نیست و این امر به اندوختن سرمایه، تجربه، اطلاعات و شهرت آنها بسیار کمک کرده است و نقش‌های مهمی را در اقتصاد کشور خود به عهده گرفته‌اند. اصولاً میانگین عمر شرکت‌ها در هر کشور می‌تواند شاخصی از ثبات و پایداری و قوتبخش خصوصی در آن کشور باشد. در این راستا از جمله عواملی که حداقل در شرکت‌های سهامی می‌تواند این اثر را داشته باشد افزایش میزان سرمایه اسمی آنهاست که شخصیت حقوقی قویتری را به میدان اقتصاد کشور وارد می‌کند.

اعتبار شرکت‌های سهامی در وضع حاضر آنقدر تنزل یافته که روی به ابتذال آورده است تا آنجا که گاهی مشاهده می‌شود هدف از تأسیس یک شرکت سهامی و به رسمیت شناختن تولد یک شخصیت حقوقی معتبر جدید که انتظار می‌رود برای ایفای نقش مهم و مثبتی در جامعه باشد تنها به وسیله‌ای مثلاً برای گرفتن ویزا از سفارتخانه یک کشور خارجی و یا استفاده از سهمیه‌های دولتی کم‌ارزش و نظایر آنها بدل شده است. وجود فراوان این چنین شرکت‌های سهامی باعث گردیده است که قدر و منزلت شرکت‌های سهامی در کشور به شدت سقوط کند و آن میزان اعتمادی را که یک شرکت سهامی باید بتواند در نگاه اول از طرف‌های تجاری به خود جلب نماید به صفر برساند. این در حالی است که با افزایش حداقل مقرر در قانون می‌توان مانعی را برای استفاده از این نوع شرکت برای مقاصد حقیر ایجاد کرد. روز آمد نشدن ماده مذکور باعث گردیده است که موادی دیگر از قانون تجارت نیز به کار نیایند و معطل و بی‌استفاده شوند و یا حتی نتیجه عکس آنچه که هدف از وضع آنها بوده است بدهند. برای مثال به موجب ماده ۱۴۱ از همان قانون:

«اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیأت مدیره بر خلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت ننماید و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات

قانونی منعقد گردد هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند.»

واقعیت این است که فرض قانونگذار این بوده است که حداقل سرمایه مقرر در قانون برای شرکت‌های سهامی آنقدر هست که حداقل بتواند مخارج و هزینه‌های متعارف یک یا چند سال شرکت را نظیر اجاره دفتر و یا حقوق و دستمزد پرسنل از محل آن پرداخت کنند تا شرکت بتواند به اهداف اقتصادی خود دست یابد و از محل منافع و سود ایجاد شده به فعالیت و حیات خود ادامه دهد. با وجود این، قانونگذار در ماده فوق‌الذکر پیش‌بینی کرده است که اگر سرمایه شرکت بر اثر زیان‌های وارده کاهش یابد باید نسبت به کاهش سرمایه خود به قدر زیان وارده اقدام کند. مثلاً اگر یک شرکت سهامی خاص در آن زمان با یک میلیون ریال ثبت و تأسیس می‌گردید ممکن بود بتواند با صد هزار ریال از عهده همه هزینه‌های پرسنلی و اداری خود برای یک سال یا بیشتر درآید. اما امروزه شمار بسیاری از شرکت‌های سهامی به ویژه سهامی خاص مشمول ماده ۱۴۱ شده‌اند و انحلال آنها امکان‌پذیر گردیده است، زیرا حتی کمترین هزینه اجاره و دستمزد سالیانه هم ده‌ها برابر حداقل مقرر (یک میلیون ریال) می‌باشد و جایی برای کاهش سرمایه به مقدار زیان وارده باقی نمی‌ماند، زیرا زیان وارده چندین برابر اصل تمامی سرمایه است. بدین ترتیب اصلاً اجرای ماده ۱۴۱ ممکن نیست. لازم به تذکر است که قابلیت انحلال بخش عمده‌ای از شرکت‌های سهامی در کشور به موجب ماده مذکور و سایر مواد در واقع نشان از تزلزل و سستی و بیماری آن دسته از اشخاص حقوقی کشور را دارد که قرار است بخش عمده اقتصاد کشور را بر دوش بگیرند و به مصلحت اقتصاد کشور نیست.

کارشناسان مالی معتقدند قلت میزان سرمایه در بسیاری از شرکت‌های سهامی باعث گردیده است که ساختار مالی این شرکت‌ها دچار ضعف و بیماری گردیده و نسبت‌های متعارف در صورت‌های مالی و ترازنامه شرکت‌ها به ارقامی غیرمتعارف و نادرست بگراید.

سرمایه اسمی ناکافی در شرکت‌های سهامی همواره ایشان را در برابر بانک‌ها برای اخذ وام دچار مشکل کرده و درست در لحظاتی که باید فرصت‌ها را غنیمت شمردند و به اجرای طرح صنعتی یا تجاری خود سریعاً مبادرت ورزیدند، شرکت‌ها تازه

گرفتار تشریفات افزایش سرمایه و یا حتی قرارداد تضمین و مشارکت مدنی بانک با سهامداران گردیده‌اند که هر دو نقض غرض قانون تجارت در پدید آوردن شرکت‌ها برای سهولت و سرعت در معاملات و سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد.

افزایش میزان حداقل سرمایه شرکت‌ها باعث می‌گردد تا بخشی از نقدینگی سرگردان در کشور که بی‌نام و نشان فعالیت می‌نمایند به صورت ثبت شده و منضبط به شرکت‌ها وارد و در فعالیت اقتصادی آشکار گردد که غالباً دارای پرونده‌های منظم مالیاتی هستند و به کنترل دولت بر جریان نقدینگی کمک می‌کند.

افزایش میزان حداقل سرمایه اسمی شرکت‌ها در کاهش دعاوی حقوقی و نیز کمک به حل آنها مؤثر است زیرا با قوت یافتن شرکت‌ها اولاً موارد ورشکستگی، حداقل در شرکت‌های سهامی کاهش یافته و ثانیاً وثائق مطمئن‌تری برای افراد در معامله با این شرکت‌ها فراهم می‌سازد. چرا که فرض بر این است که سرمایه اسمی یا تماماً به شرکت پرداخت شده و به صورت دارایی در شرکت وجود دارد و یا بخشی پرداخت شده و مبالغی در تعهد سهامداران است.

سهولت در تأسیس شرکت‌های سهامی موجب گردیده است که اغلب افراد و سهامداران در هر رده و موقعیتی ترجیح دهند از موقعیت و اعتبار شرکت‌های سهامی برخوردار گردند و لذا مشاهده می‌شود که غالب شرکت‌های ثبت شده در سنوات اخیر از نوع سهامی خاص است و تأسیس انواع دیگر شرکت‌ها که برای کسانی است که امکان دستیابی به موقعیت شرکت‌های سهامی را نداشته‌اند مهجور گردیده و ثبت انواع شرکت‌های دیگر در دو دهه اخیر رو به ندرت نهاده است، در حالی که هر یک از آنها نیز کاربری خاص خود را متناسب با وضعیت سهامداران و اهداف آنها داشته است و باید داشته باشد.

طرف‌های تجاری خارجی و نیز سرمایه‌گذاران خارجی با برداشت قبلی که از قوانین خود دارند برای سنجش اعتبار شرکت‌های ایرانی به میزان سرمایه اسمی آنها نیز می‌نگرند و برای اغلب ایشان قابل باور نیست که چطور ممکن است که سرمایه اسمی کافی برای تأسیس یک شرکت سهامی، کمتر از حداقل دستمزد ماهیانه یک کارگر ایرانی باشد، این در حالی است که به موجب مواد ۶ و ۲۰ قانون تجارت نیز تنها با پرداخت ۳۵٪ از سرمایه مذکور شرکت قابل ثبت است یعنی هر کارگر ساده در برابر دستمزد تنها ۱۰ روز خود می‌تواند نسبت به تأسیس یک شرکت سهامی خاص

یا عام مبادرت ورزد. این در حالی است که آنها وقتی با یک شرکت سهامی مواجه می‌شوند سابقه ذهنی دیگری از موقعیت و اعتبار یک شرکت سهامی دارند و مثلاً در کشور همسایه ما (امارات متحده عربی) برای ثبت یک شرکت در پائین‌ترین موقعیت نیاز به سرمایه قابل توجهی به عنوان سرمایه اسمی می‌باشد. در خاتمه، نتیجه اصلاح این ماده قانونی را در چند جمله می‌توان بیان کرد:

اصلاح ساختار مالی و قوت اقتصادی بیشتر شرکت‌های سهامی؛
 افزایش میانگین عمر شرکت‌های سهامی؛
 افزایش اعتماد عمومی به شرکت‌های سهامی؛
 جلوگیری از تأسیس و بقای شرکت‌های سهامی با اهداف غیراقتصادی و حقیر؛
 کاهش موارد ورشکستگی شرکت‌های سهامی؛
 سهولت و سرعت بیشتر در معاملات شرکت‌های سهامی با بانک‌ها؛
 کمک به کنترل بیشتر دولت بر نقدینگی؛
 کمک به کاهش مشکلات حقوقی در دعاوی مربوط به شرکت‌ها؛
 حفظ کارایی سایر مواد قانون تجارت و اصلاحیه آن به عنوان یک مجموعه‌ای که اجزای آن با یکدیگر روابط سیستمی و ارگانیک دارند؛
 و بالاخره حفظ و دفاع از اعتبار و ارزش شرکت‌های سهامی در اقتصاد کشور.

و نهایتاً منتهی به افزایش توفیقات در بسترسازی برای تقویت آحاد و افراد تشکیل‌دهنده بخش خصوصی جهت توسعه مطلوب کشور خواهد گردید و تأخیر و منوط شدن آن به بررسی کل مواد قانون تجارت و اصلاحات احتمالی آن در آینده وجاهت ندارد و جای درنگ در تصویب اصلاحیه پیشنهادی نیست.

به منظور روزآمد کردن حداقل‌های مقرر در ماده فوق باید ارزش ریال را با شاخصی دیگر سنجید و به عدد ریالی مطلوب دست یافت. باید توجه داشت هدف از به روز کردن این اعداد قدرت این سرمایه برای پرداخت هزینه‌های نیروی انسانی، هزینه‌های اداری و نیز توان سرمایه‌گذاری است. پیشنهاد ما محاسبه رقم مناسب با تکیه بر ارزش طلا در مقطع تاریخی سال ۴۷ در مقایسه با سال ۸۳ می‌باشد و قطعاً تکیه بر سایر شاخص‌ها نظیر ارزش دلار که خود در این مدت طولانی دستخوش تغییر ارزش شده است پاسخ درستی به دنبال ندارد. در تحقیقات انجام شده مشاهده

گردید که ارزش طلا در بازار جهانی در سال مذکور از قرار هر اونس ۳۹/۲۶ دلار در سال ۱۹۶۸ میلادی (برابر با ۱۳۴۷ شمسی) بوده است در حالی که این رقم پس از افزایش قابل توجه در سال ۱۹۸۰ که به بیش از ۷۰۰ دلار رسید هم‌اینک با کاهش مجدد به ارزش بین ۳۳۰ تا ۳۵۰ دلار در سال ۲۰۰۴ رسیده است.^۱ از طرفی بنا به شواهد^۲ موجود ارزش طلا در سال ۱۳۴۷ در ایران از قرار هر گرم در حدود ۹۵/۶ ریال بوده است. بدین ترتیب با پرداخت مبلغ یک میلیون ریال امکان خرید ۱۰۴۶۰/۲۵ گرم طلا وجود داشته است، در حالی که امروز با توجه به آنکه ارزش هر گرم طلا حدود ۸۵،۹۰۰ ریال است برای خرید همان مقدار طلا باید ۸۹۸،۵۳۵،۴۷۵ ریال پرداخت نمود. این نرخ افزایش با مقایسه ارزش بهای ملک و هزینه اجاره در سال‌های ۴۷ و ۸۳ نیز به طور تقریبی تأیید می‌گردد، از طرفی با در نظر داشتن اینکه عمر این ماده واحده نیز حداقل چند سالی خواهد بود پیشنهاد ما تعیین مبلغ یک میلیارد ریال به عنوان حداقل سرمایه اسمی برای شرکت‌های سهامی خاص، و مبلغ پنج میلیارد ریال برای شرکت‌های سهامی عام است.

بدین ترتیب متن ماده واحده که جهت تصویب به مجلس محترم پیشنهاد می‌گردد به شرح ذیل است:

ماده واحده

ماده ۵ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ به شرح ذیل اصلاح و جایگزین ماده مذکور می‌گردد:

«در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیارد ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیارد ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت

^۱ نقل از آرشیو سایت American Gold Exchange, Inc. به نشانی www.amergold.com

^۲ نامه شماره ۴۸۵ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۹ اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی در پاسخ به استعلام شماره ۸۳/۲۶۰۳ مورخ ۱۳۸۳/۴/۱۶ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

تغییر شکل یابد وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هرگاه قبل از صدور رأی قطعی، موجب درخواست انحلال منتفی گردد، دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود. شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون سرمایه اسمی خود را با این قانون تطبیق دهند یا به نوع دیگری از انواع شرکت‌های تجاری تبدیل شوند، در غیر این صورت منحل محسوب خواهند شد. تطبیق وضع شرکت با این قانون وقتی محقق می‌شود که مرجع ثبت شرکت‌ها مراتب افزایش سرمایه را آگهی کرده باشد.»

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. III, NO. 1

2004-1

Articles

- Integration of Islamic Countries and Specially Iran into International Legal-Economic System and its Challenges
- Public Hearing in the Light of International Instruments and National Law
- Judicial Interpretation of the Iranian Constitution and the Practice of the Administrative Court of Justice
- International Court of Justice and Advisory Opinion on Legal Consequences Arising from Construction of the Wall by Israel in the Occupied Palestinian Territory
- The New Resolution of the IAEA Board of Governors on Iran, An Assessment of the Respect for International Law
- Concept, Legal Nature and Formalities of Buy Back Investment Contracts
- The Protection of Patents in the World Trade Organization
- Methods of Restitution of Contractual Obligation Breach in the International Sales of Goods Convention
- The Prosecution of Senior State Officials in National Tribunals for International Crimes (Some Comments on the Congo v. Belgium Case)

Special Issue : Insufficiencies of the Law of Companies in Iran

- Legal Aspects of Capital in Joint-Stock Companies (Round-table)
- The Necessity of Amendment of Iranian Commercial Code Concerning Minimum Capital of Joint-Stock Companies
- The Rights of Minority Shareholders in Merger or Consolidation of Corporations
- Control of the Activities of Directors by Governmental Agencies in English and Iranian Legal Systems
- Legal Formalities for Transfer of Shares in Joint-Stock Companies

Critique and Presentation

- Reflections on UN Security Council Resolution 1559 on Lebanese Sovereignty and Withdrawal of Foreign Forces



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study